

بررسی تطبیقی مباحث مهدوی در تفاسیر شیعه و اهل تسنن تا قرن

هفتم*

زهرا زمزم^۱

عبدالمجید طالب‌تاش^۲

محمدحسین توانایی سره دینی^۳

چکیده

قرآن به عنوان معتبرترین منبع مورد پذیرش تمامی مسلمانان در تمامی زمینه‌های اعتقادی و فقهی و غیر آن، مورد توجه تمامی فرقه‌های مدعی اسلام است. مهدویت نیز به عنوان منحصر به فردترین چشم‌انداز پایان تاریخ از دیدگاه اسلام از این قانون مستثنی نیست؛ هرچند میزان پرداختن به این حقیقت به دلایلی مشخص، در منابع تفسیری شیعه با اهل تسنن تفاوتی فاحش در میزان و کیفیت محتوا دارد؛ به گونه‌ای که در تمامی منابع تفسیری و غیرتفسیری اهل تسنن تا قرن هفتم تنها ده آیه درباره مهدویت تفسیر شده، با این ویژگی که مفسران نامدار اهل تسنن تلاش دارند این آیات را نیز با بخش مسیحی ماجرا! یعنی فرود آمدن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام از آسمان، آنهم بدون هیچ پیوندی با «مهدی موعود» به پایان ببرند! ولی در منابع شیعی این دوران، حداقل ۶۶ آیه، فقط در کتاب‌های تفسیری، ذکر شده که از نظر محتوا تقریباً تمامی موضوعات مهدوی را به صورت تفسیری یا تأویلی شامل می‌شوند.

واژگان کلیدی

مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، تفاسیر شیعه، تفاسیر اهل سنت، پایان تاریخ، آخرالزمان.

مقدمه

در هر دین و آئینی، کتاب آسمانی، محوری‌ترین منبع مکتوب به شمار می‌آید؛ بنابراین از یکسو باید دربر دارنده تمامی اصول اعتقادی و حکمی یک دین باشد و از سوی دیگر تمامی فرقه‌ها و مکتب‌های موجود در آن دین، تلاش خواهند داشت آن را بر عقائد و خواسته‌های

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

۱. دانشجوی دکتری گرایش علوم و قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران (z_zamzam1@yahoo.com).

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث موسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز، ایران (نویسنده مسئول) (talebtash@yahoo.com).

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی کرج، ایران (Dr.tavanaieesareh@yahoo.com).

خود تطبیق کرده و در صورت عدم امکان، تحمیل نمایند! یکی از مهم‌ترین مسائل کلامی مطرح در ادیان، مسئله سرانجام و پایان تاریخ است و به صورت طبیعی هر دینی در کتاب آسمانی خود تلاش دارد ترسیمی مطابق خود از آن داشته باشد. قرآن کریم به عنوان آخرین و مستندترین کتاب آسمانی موجود که از هرگونه خطر تحریف و کم و زیادی، سالم و در امان مانده، باید بیشترین پرداخت را به این حقیقت داشته باشد؛ چراکه از یکسو معتبرترین منبع نسبت به پایان تاریخ است و از سوی دیگر باید برای پیروان خود در مسیر پر پیچ و خم پیش رو و خطرات فراوان و وحشت‌آفرین تاریخی، امیدی در خور و نشاط‌آفرین داشته باشد. بنابراین بررسی این حقیقت قرآنی، شایسته و بایسته پژوهش‌هایی گوناگون و جامع است. یکی از نکات سؤال برانگیز در این زمینه، میزان پرداخت به این حقیقت در کتاب‌های تفسیری است؛ چراکه به نظر می‌رسد به تبع قرآن، مفسران و کتاب‌های تفسیری نیز پردازش جالب توجهی به این حقیقت داشته باشند. در این مقاله به دنبال آنیم تا این مسئله را در منابع تفسیری شیعه و اهل تسنن بررسی نمائیم و با نقاط اشتراک و تفاوت و امتیاز و ضعف آشنا شویم.

در منابع اهل تسنن

از نظر پراکندگی زمانی

در منابع اهل تسنن تا قرن هفتم، در مجموع، ده آیه، ناظر به مهدویت تفسیر شده است.^۱

گوینده

از نظر نخستین گوینده‌ها دو روایت تفسیری مهدوی از پیامبر ﷺ به چشم می‌خورد: یکی ذیل آیه «یوم یأتی بعض آیات ربک» (ابن حماد، ۱۴۱۴ق: ۶۵۳؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ۷۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۴، ۵۴۵) و دیگری ذیل آیه «و لو تری إذ فزعوا فلا فوت» (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۲۲، ۷۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۸، ۹۴-۹۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ش: ج ۹، ۲۲۶) [از آن جا که سند و متن آن شبیه طبری است، به نظر می‌رسد از آن کتاب گرفته است]؛ طبرسی،

۱. لهم فی الدنيا خزی (بقره: ۱۱۴) و یکلم الناس فی المهد و کهللاً (آل عمران: ۴۶) «إذ قال الله یا عیسیٰ ائی متوفیک و رافعک الی ..» (آل عمران: ۵۵) لیومننّ به قبل موته (نساء: ۱۵۹) یوم یأتی بعض آیات ربک لاینفع... (انعام: ۱۵۸) هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه (توبه: ۳۳ و...) وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم (نور: ۵۵) و لو تری إذ فزعوا فلا فوت... (سبأ: ۵۱) و ائنه لعلم للساعة (زخرف: ۶۱) تضع الحرب اوزارها (محمد: ۴).

البته ذیل آیه «إن تعدّ بهم فأنهم عبادک (مائده: ۱۱۸) یک گزارش از ابن عباس در منابع متأخر به نقل از منابع متقدم، در دست است (الدر المنثور، ج ۲، ۵۳۰) [از ابن ابوحاتم].

۱۴۱۵ق: ج ۴، ۳۹۸) نام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز تنها در دو روایت ذیل آیه «و لو تری اذ فزعوا» به چشم می خورد (ابن حماد، ۱۴۱۴ق: ۳۲۹؛ مقدسی، ۱۸۹۹م: ج ۲، ۱۷۷).

در میان صحابه، از جابر و ابن عباس و ابوهریره گزارش هایی در دست است. بیشترین گزارش ها از ابن عباس نقل شده است: ^۱ ذیل آیه «و اِنَّه لعلم للساعة» (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۲۵، ۵۴؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ۳۱۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۷، ۴۸۹) و ذیل «و لو تری اذ فزعوا فلا فوت» (سیوطی، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۴۰) و ذیل آیه «لیظهره علی الدین کله» و ذیل آیه «و ان من اهل الکتاب الا لیؤمننَّ به قبل موته» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۳۸۶؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۱۳۷)؛ ^۲ و از جابر بن عبدالله (بی هقی، ۱۴۲۴ق: ج ۹، ۱۸۰) و ابوهریره (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۱۰، ۸۲) نیز گزارش شده که «لیؤمننَّ به قبل موته» را به فرود آمدن عیسی بن مریم علیه السلام تفسیر کرده اند. در نسل تابعین، دو گزارش از کعب الاحبار [م ۳۴ق] یکی ذیل آیه «اذ قال الله یا عیسی ائی متوفیک و رافعک الی...» (ابن حماد، ۱۴۱۴ق: ۵۷۸) و دیگری ذیل آیه «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم...» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۴۷۴-۴۷۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۱) در دست است.

در قرن دوم اقبال بیشتری از بزرگان تفسیر اهل تسنن به روایات تفسیری مهدوی به چشم می آید. البته این اقبال به معنای فراوانی این گونه تفسیر در کلمات آنها نیست بلکه تنها به معنای فراوان تر بودن تعداد گزارش ها نسبت به سالیان پیشین است! وگرنه هم چنان در این روزگار نیز مباحث مهدویت، از نگاه بزرگان حدیثی اهل تسنن، به دور مانده به گونه ای که از بخشی از نامداران این دوران، تنها یک یا دو گزارش در این زمینه یافت می شود! که عبارتند از: از ضحاک بن مزاحم [م ۱۰۲ق] یک گزارش، ذیل آیه «و اِنَّه لعلم للساعة» (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۲۵، ۵۴)؛ و از مجاهد بن جبر [م ۱۰۴ق] سه گزارش، یکی ذیل آیه «و اِنَّه لعلم للساعة» (بی هقی، ۱۴۲۴ق: ج ۹، ۱۸۰) و دومی، ذیل آیه «لیؤمننَّ به قبل موته» (سمرقندی، بی تا: ج ۲، ۴۵۹) و سومی، ذیل آیه «حتی تضع الحرب اوزارها» (بی هقی، ۱۴۲۴ق: ج ۹، ۱۸۰)؛ و از عکرمه بربری [م ۱۰۶ یا ۱۰۷ق] یک گزارش، ذیل آیه «و اِنَّه لعلم للساعة» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۸، ۳۴۱)؛ و از بکر بن عبدالله مزنی [م ۱۰۸ق] یک گزارش، ذیل «لیؤمننَّ به قبل موته» (همان: ۳۰۳)؛ و از حسن بصری [م ۱۱۰ق] دو گزارش، یکی ذیل «و اِنَّه لعلم للساعة» (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۲۵، ۵۴) و

۱. همچنین یک گزارش از وی ذیل آیه «ان تعدبهم فائتهم عبادک» در دست است (الدر المنثور، ج ۲، ۵۳۰).

۲. از آن جا که شیخ طوسی، نام ابن عباس را در میان نام تعدادی از نامداران اهل تسنن ذکر کرده روشن است که این گزارش وی مربوط به اهل تسنن است.

دیگری، ذیل «لیؤمننّ به قبل موته» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۳۸۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ش: ج ۴، ۶۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۱۳۷)؛ و از قتاده بن دعامه [م ۱۱۷ یا ۱۱۸ق] دو گزارش، یکی ذیل آیه «لعلم للساعة» (عبدالرزاق، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ۱۹۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲۵، ۵۴) و دیگری ذیل «لیؤمننّ به قبل موته» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۳۸۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ش: ج ۴، ۶۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۱۳۷)؛ و از ابومالک غزوان غفاری [از شاگردان ابن عباس و اساتید سدی که زمان فوتش مشخص نیست]. یک گزارش ذیل «لیؤمننّ به قبل موته» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۳۸۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ش: ج ۴، ۶۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۱۳۷)؛ و از اسماعیل بن عبدالرحمان سدی [م ۱۲۷ق] دو گزارش، یکی ذیل آیه «لهم فی الدنيا خزی» (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۳۹۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۲۶۱) و دیگری، ذیل «وإنه لعلم للساعة» (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲۵، ۵۴)؛ و از مقاتل بن سلیمان بلخی [شاگرد مجاهد و متوفای ۱۵۰] یک گزارش، ذیل «وإنه لعلم للساعة» (ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۴۶۹؛ اربلی، بی تا: ج ۳، ۲۹۲)؛ و از حماد بن زید بصری [م ۱۷۹ق] دو گزارش، یکی ذیل «لیؤمننّ به قبل موته» (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ۱۴؛ طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۳۸۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ش: ج ۴، ۶۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۱۳۷) و دیگری، ذیل آیه «و یکلّم الناس فی المهد و کهللاً» (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۱۸۸)؛ و از عبدالله بن وهب [م ۱۹۷ق] یک گزارش، ذیل آیه «وإنه لعلم للساعة» (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲۵، ۵۴) در دست است!

منبع

از لحاظ آمار منابع و افت و خیز آنها در پردازش به مهدویت نیز نکات جالبی به دست می آید: از قرن دوم، تفسیر مکتوب اندکی به دست ما رسیده که نمونه آن المبسوط شیبانی [م ۱۸۹ق] است که در آن هیچ نشانی از روایات مهدوی یافت نشد. در قرن سوم، با وجود کتاب‌هایی تفسیری همچون احکام القرآن شافعی [م ۲۰۴ق] تنها در تفسیر عبدالرزاق [م ۲۱۱ق] یک گزارش مهدوی از قتاده یافت شد (ج ۳، ۱۹۸) و سایر روایات تفسیری مهدوی در این دوره در کتاب‌های حدیثی به چشم می خورد: الفتن نعیم بن حماد [م ۲۲۸ق] روایتی از پیامبر ﷺ (ص ۶۵۳) و روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام (ص ۳۲۹) و گزارشی از کعب الاحبار (ص ۵۷۸) و المصنف ابن ابوشیبہ [م ۲۳۵ق] (ج ۱۵، ۶۵-۶۶) و مسند احمد [م ۲۴۱ق] گزارشی از ابن عباس (ج ۱، ۳۱۷).

در قرن چهارم با وجود کتاب‌های تفسیری فراوان تری همچون تفسیر ابن ابوحاتم^۱ [م ۳۲۷ق] و معانی القرآن نحاس [م ۳۳۸ق] و احکام القرآن جصاص [م ۳۷۰ق] و تفسیر ابن زینین [م ۳۹۹ق] تنها در دو تفسیر و یک کتاب تاریخی روایات تفسیری مهدوی به چشم می‌خورد: جامع البیان طبری [م ۳۱۰ق] رکورددار این قرن و تمامی کتاب‌های تفسیری اهل تسنن در این زمینه است. در این کتاب، روایتی از پیامبر ﷺ (ج ۲۲، ۷۲) و گزارش‌هایی از سدی (ج ۱، ۳۹۹) و از ابن عباس و حسن بصری و مجاهد و قتاده و سدی و ضحاک و ابن وهب (ج ۲۵، ۵۴) و از ابوهریره (ج ۱۰، ۸۲) و از ابن زید (ج ۳، ۱۸۸؛ ج ۶، ۱۴) و همچنین (ج ۸، ۷۴) به چشم می‌خورد. گذشته از تفسیر طبری می‌توان به تفسیر ابواللیث سمرقندی [م ۲۸۳ق] اشاره داشت که گزارشی از مجاهد (ج ۲، ۴۵۹) در آن ذکر شده. در کتاب *البدء والتاریخ* مطهرین طاهر مقدسی [م ۳۵۵ق] هم روایتی مرسل از امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شده است (ج ۲، ۱۷۷).

در قرن پنجم با وجود تفاسیری همچون الوجیز واحدی نیشابوری [م ۴۶۸ق]؛ تفسیر سمعانی [م ۴۸۲ق] و تفسیر عبدالکریم بن هوازن قشیری [م ۴۶۵ق]، در یک کتاب تفسیری و دو کتاب حدیثی گزارش‌های تفسیری مهدوی به چشم می‌خورد: گزارشی از بکر بن عبدالله مزنی در *الکشف والبیان* احمد بن ابراهیم ثعلبی [م ۴۲۷ق] (ج ۸، ۳۰۳) و همچنین کتاب‌های حدیثی *المستدرک* حاکم نیشابوری [م ۴۰۵ق] (ج ۸، ۷۴) و *السنن الکبری* [م ۴۵۸ق] از جابر بن عبدالله انصاری و مجاهد (ج ۹، ۱۸۰).

در قرن ششم با وجود کتاب‌های تفسیری فراوان تری همچون تفسیر نسفی [م ۵۳۷ق] و *احکام القرآن* ابن عربی [م ۵۴۳ق] و *المحرر الوجیز* ابن عطیه اندلسی [م ۵۴۶ق] و *زاد المسیر* ابن جوزی [م ۵۹۷ق] تنها در دو کتاب تفسیری و یک کتاب حدیثی روایات تفسیری مهدوی به چشم می‌خورد: *معالم التنزیل* بغوی [م ۵۱۰ق] (ج ۴، ۱۴۴) و *کشف زمخشری* [م ۵۲۸ق] (ج ۴، ۲۶۰) و همچنین *تاریخ مدینه دمشق* ابن عساکر [م ۵۷۱ق] (ج ۴۷، ۴۸۹).

از نظر محتوا

اگر قرار باشد در میان تمامی منابع اهل تسنن یک آیه به عنوان آیه شاخص مهدوی معرفی شود، آیه ۶۱ سوره زخرف یعنی «وإنه لعلم للساعة» خواهد بود که تقریباً از سوی تمامی منابع تفسیری قدیم و جدید اهل تسنن تفسیر آن به نزول حضرت عیسی علیه السلام پیش از قیامت پذیرفته

۱. البته در یک مورد سیوطی گزارشی را از ابن ابوحاتم از ابن عباس نقل کرده است (الدر المنثور، ج ۵، ۲۴۰) که منبع آن یافت نشد.

شده است. از همین رو این آیه جزء آمار تفاسیر اهل تسنن قرار نگرفت چراکه از یکسو نیاز به شمارش این منابع نبود و از سوی دیگر، از آن جا که این تفسیر، از زبان خود نویسنده بود، روایت و یا گزارش تفسیری به شمار نمی‌آید. البته همان‌گونه که شاهد بودیم، گزارش‌های تفسیری متعددی نیز ذیل این آیه از افرادی همچون ابن عباس و ضحاک و مجاهد و قتاده و سدی و حسن بصری و ابن وهب وجود داشت.

تنها محتوای پیوند داده شده با «مهدی» تنها در دو آیه و از سوی دو نفر در قرن دوم به چشم می‌خورد: یکی در یک گزارش تفسیری از سدی ذیل آیه «لهم فی الدنيا خزی» و دیگری در تفسیری از مقاتل بن سلیمان ذیل آیه «وإنه لعلم للساعة»؛ وگرنه سایر محتواهایی که حتی پیوند بیشتر آنها با مهدویت بسیار آشکار به نظر می‌رسد در منابع اهل تسنن با نزول عیسی علیه السلام گره خورده است! آیاتی همچون «أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» در *جامع البیان و السنن الکبری* یا «تضع الحرب أوزارها» در گزارشی از *السنن الکبری* و «یکلم الناس فی المهد و کهلا» در *جامع البیان و الفتن* ابن حماد. آیه «لیؤمننّ به قبل موته» نیز در *جامع البیان و تفسیر سمرقندی و تفسیر تبیان* شیخ طوسی به نقل از برخی بزرگان اهل تسنن به نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان تفسیر شده است. این فاصله گرفتن از «مهدی موعود» در منابع اهل تسنن تا به آن جاست که حتی آیه «وعدالله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض...» که از آشکارترین آیات مهدوی به شمار می‌آید تنها در یک گزارش آن‌هم از زبان یهودی مرموزی همچون کعب الاحبار، به طولانی شدن عمرها تفسیر شده! آن‌هم بدون آن‌که پیوند مشخصی به مهدویت داده شود!^۱

جالب آن‌که برخلاف گزارش‌ها، چهار روایت تفسیری موجود در منابع اهل تسنن، هیچ ارتباطی با عیسی بن مریم علیه السلام ندارند! یکی از دو روایت موجود از پیامبر صلی الله علیه و آله، ذیل «یوم یأتی بعض آیات ربّک» و در پیوند با برخی ماجراهای دجال است (*جامع البیان، المستدرک، الفتن و المصنف* ابن ابوشیبہ) و دیگری، ذیل آیه «و لو تری إذ فزعوا فلا فوت» و مربوط به خسف لشکر سفیانی (*جامع البیان و ثعلبی و ابوالفتوح رازی*). دو روایت موجود از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ذیل آیه «فلا فوت» و در رابطه با خسف نقل شده است (*الفتن و البدء و التاریخ*). همچنین

۱. این گزارش در دو منبع شیعی از وی نقل شده است: کعب الاحبار: هم اثناعشر فإذا کان عند انقضائهم و أتى طبقة صالحة مدّ الله لهم فی العمر كذلك وعد الله هذه الأمة ثم قرأ «وعدالله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم» و كذلك فعل الله ببني إسرائيل... (الخصال، ۴۷۴-۴۷۵ از کعب الاحبار؛ عیون اخبار الرضا، ج(۱)، ۴۱).

الدرالمنثور از ابن ابوحاتم از ابن عباس).

تحلیل کلی

منابع تفسیری اهل تسنن نیز همچون منابع حدیثی آنها هیچ‌گونه رغبتی به پردازش به تفاسیر روایی و گزارشی مهدوی ندارند. آنچه در این زمینه نباید دور از نظر بماند این‌که این نبود محتوا را نمی‌توان معلول نبود روایت در این زمینه دانست چراکه مهدویت - به عنوان منحصر به فردترین چشم‌انداز آینده بشر از نگاه دین اسلام - نکته‌ای نیست که پیامبر ﷺ نسبت به آن غافل یا ساکت مانده باشد ولی متأسفانه منابع حدیثی و تفسیری اهل تسنن در حرکتی کاملاً مرموز و با خالی گذاشتن نوشته‌های خود از این دست روایات، تلاشی غیرقابل درک، برای به حاشیه راندن آنها و القاء این نکته دارند که پیامبر ﷺ نسبت به این مسئله سخنی به زبان نرانده است و آنچه هست از سوی افراد دیگر است! آنچه ابهام‌ها در این زمینه را بیشتر دامن می‌زند، پیوند خوردن اندک گزارش‌های موجود در این زمینه با افراد عجیب و غریبی همچون عکرمه و مجاهد و مقاتل است که در ترجمه‌نگاری‌های اهل تسنن نیز زندگی آنها با ابهام‌هایی روبرو است! یا به شخصیتی همچون سدی که متهم به گرایش‌های شیعی شده است!

به دیگر بیان: پرداخت این منابع - به ویژه در دوران گذار و تثبیت حدیث - به مباحث مربوط به عیسی بن مریم علیه السلام و نه مهدی موعود علیه السلام، به منظور جا انداختن پیوند آخرالزمان اسلامی با نزول عیسی بن مریم علیه السلام، در میان جامعه بود و همین‌گونه نیز شد به گونه‌ای که آخرالزمان ترسیم شده در منابع قدیم و جدید اهل تسنن، بیش از آن‌که با اهل بیت علیهم السلام و مهدی موعود علیه السلام پیوند خورده باشد با عیسی بن مریم علیه السلام و نقش کلیدی او گره خورده است! البته هرچند تلاش‌هایی از سوی امثال سدی برای پیوند مهدوی آیات در قرن سوم صورت گرفت و بعضی از بزرگان اهل تسنن نیز روایاتی محدود از پیامبر صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه نقل کردند ولی این تلاش‌ها آن قدر اندک و روایات موجود هم آن قدر ضعیف هستند که هیچ‌گاه از سوی سایر مفسران اهل تسنن به چشم نیامد و نادیده گرفته شد! و به این وسیله مسیر هرگونه تطور در تفسیر مهدوی برای همیشه، مسدود و بن بست اعلام گردید!

در منابع تفسیری شیعه

متأسفانه منابع حدیثی شیعه در هفت قرن نخست بسیار محدود است. بررسی علل و عوامل این مسئله پژوهشی مستقل را می‌طلبد. ولی در هر حال، به صورت طبیعی و با توجه به

اعتقادات اهل بیت علیهم السلام، میزان روایات تفسیری مهدوی در همین اندک منابع تفسیری رشد و فراوانی غیرقابل مقایسه‌ای با منابع اهل تسنن دارد؛ به گونه‌ای که در مجموع ۶۶ آیه در هفت تفسیر شیعی مربوط به این بازه زمانی به مهدویت پیوند داده شده؛^۱ آمارى که بیش از شش برابر آیات مهدوی در منابع تفسیری و حدیثی اهل تسنن است!

در قرن سوم با وجود تفاسیری همچون تفسیر منسوب به امام عسکری [شهید ۲۶۰ق] و تفسیر سهل بن عبدالله تستری [م ۲۸۳ق] روایت تفسیری مهدوی یافت نشد. برخلاف این قرن، در قرن چهارم، مباحث مهدوی، اوجی چشمگیر دارد؛ آن جا که معروف‌ترین تفاسیر این دوران، که همگی نیز تفاسیر روایی هستند - یعنی: تفسیر عیاشی [م ۳۲۰ق]، تفسیر قمی [متوفای

۱. «فتلّی آدم من ربّه کلمات» (بقره: ۳۷) «إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی قالوا نعبد إلهک وإله آبآک...» (بقره: ۱۳۳) «أینما تكونوا یأت بکم الله جمیعاً» (بقره: ۱۴۸) «و لنبیوتکم بشیئ من الخوف و الجوع» (بقره: ۱۵۵) «فی ظلل من الغمام و الملائکة و قضی الأمر» (بقره: ۲۱۰) «کمثل حبّة أنبتت سبع سنابل» (بقره: ۲۶۱) «و له أسلم من فی السموات و الأرض» (آل عمران: ۸۳) «یمدّدکم ربکم بخمسة آلاف من الملائکة مسؤمین» (آل عمران: ۱۲۵) «و تلك الأيام نداولها بین الناس» (آل عمران: ۱۴۰) «اصبروا و صابروا و رابطوا» (آل عمران: ۲۰۰) «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم» (نساء: ۵۹) «و حسن أولئک رفیقاً» (نساء: ۶۹) «لولا أخرتنا إلی أجل قریب» (نساء: ۷۷) «لیؤمننّ به قبل موتہ» (نساء: ۱۵۹) «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم...» (مائدہ: ۳) «قل إن الله قادر علی أن ینزل آیة» (انعام: ۳۷) «أخذناهم بغتة» (انعام: ۴۴) «هو القادر علی أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم» (انعام: ۶۵) «یوم یأتی بعض آیات ربک لاینفع...» (انعام: ۱۵۸) «فانتظروا إتی معکم من المنتظرین» (اعراف: ۷۱) «و العاقبة للمتقین» (اعراف: ۱۲۸) «من قوم موسی أمة یتهدون بالحق» (اعراف: ۱۵۹) «و یرید الله أن یحقّ الحقّ بکلماته و یقطع دابر الکافرین» (انفال: ۷) «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و یرید الله کلّ شئ» (انفال: ۳۹) «و أذان من الله و رسوله إلی الناس یوم الحجّ الأكبر» (توبه: ۳) «لیظہره علی الدین کلّه» (توبه: ۳۳) «و الذین ینکزنون الذهب و الفضة...» (توبه: ۳۴) «قل أرایتم إن أتاکم عذابه بیاتاً ماذا یتستعجل منه المجرمون» (یونس: ۵۰) «و لئن أخرنا عنهم العذاب إلی أمة معدودة ليقولنّ ما یحسبه» (هود: ۸) «لو أن لی بکم قوّة أو أوری إلی رکن شدید» (هود: ۸۰) «بقیة الله خیر لکم» (هود: ۸۶) «و لكل قوم هاد» (رعد: ۷) «و إن کان مکرمهم لنزل منه الجبال» (ابراهیم: ۴۶) «و سکنتم فی مساکن الذین ظلموا أنفسهم» (ابراهیم: ۴۵) «فأتک من المنظرین إلی یوم الوقت المعلوم» (حجر: ۳۸) «و...» «أتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم» (حجر: ۸۷) «أتی أمر الله فلا تستعجلوه» (نحل: ۱) «و أقسموا بالله جهد أیمانهم لایبعث الله من یموت» (نحل: ۲۸) «بعثنا علیکم عباداً لنا أولى بأس شدید» (اسراء: ۵) «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیّہ سلطاناً» (اسراء: ۳۳) «فإذا جاء وعد ربّی جعله دكاً» (کهف: ۹۸) «و لقد عهدنا إلی آدم من قبل فنسی» (طه: ۱۱۵) «إنّ الأرض یرثها عبادى الصالحون» (انبیاء: ۱۰۵) «أذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا» (حج: ۳۹) «الذین إن مکّناهم فی الأرض أقاموا الصلاة...» (حج: ۴۱) «نور علی نور» (نور: ۳۵) «وعدالله الذین و عملوا الصالحات لیستخلفنهم...» (نور: ۵۵) «الذین یمشون علی الأرض هوناً... حسنت مستقراً و مقاماً» (فرقان: ۶۳-۷۶) «بل کذبوا بالساعة و أعتدنا لمن کذب بالساعة سعيراً» (فرقان: ۱۱) «حمعسق» (شوری: ۱) «إنما السبیل علی الذین یظلمون الناس بغير علم» (شوری: ۴۲) «و أشرقت الأرض بنور ربّها» (زمر: ۶۹) «إن نشأ ننزل علیهم من السماء آیة فظلت أعناقهم لها خاضعین» (شعراء: ۴) «أمن یجیب المضطرّ إذا دعاه» (نمل: ۶۲) «و لو ترى إذ فرعوا فلا فوت و أخذوا من مکان قریب» (سبا: ۵۱) «أقتربت الساعة و انشقّ القمر» (قمر: ۱) «و لنذیقنّهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر» (سجده: ۲۱) «و فی السماء رزقکم و ما توعدون» (ذاریات: ۲۲) «سأل سائل بعذاب واقع» (معاوج: ۱) «ذرنی و من خلقت وحیداً* ثمّ قتل کیف قدر» (مدثر: ۱۱-۱۶) «حتى أتانا الیقین» (مدثر: ۴۷) «و کنا نکذب بیوم الدین» (مدثر: ۴۶) «فمهّل الکافرین أمهلهم رويداً» (طارق: ۱۷) «و التهار إذا جلاها» (شمس: ۳) «فأنذرتکم ناراً تلظى» (لیل: ۱۴) «سلام هی حتی مطلع الفجر» (قدر: ۵).

اوائل ق ۴]، و تفسیر فرات کوفی [م ۳۵۲ ق] - پردازشی پرننگ به مهدویت و روایات مهدوی دارند.

عیاشی در این میان، پرچمدار تفاسیر شیعه در تمامی زمان‌ها و دوران‌ها است به گونه‌ای که روایات مهدوی فراوانی در موضوعات مختلف مهدوی در آن می‌توان یافت که فهرست آنها عبارت است از:

اشاره به خود امام زمان علیه السلام (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۱، ۶۱، ذیل «إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی قالوا نعبد إلهک و إله آباءک...»، ح ۱۰۲ از امام باقر علیه السلام: ج ۱۴، ۲: ۲۵۳، ۱۷۷، ذیل «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم» از سلیم از امیرالمؤمنین علیه السلام، ۲۵۱، ح ۱۷۱ از امام رضا علیه السلام: ج ۲۴۷، ح ۱۵۴ از امام باقر علیه السلام: ج ۱۴۷، ذیل «کمثل حبة أنبتت سبع سنابل»، ح ۴۸۰ از امام صادق علیه السلام: ج ۲، ۲۰۴، ذیل «و لکل قوم هاد»، ح ۷ از امام باقر علیه السلام: ج ۲۵۰، ذیل «أتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم»، ح ۳۷ از امام صادق علیه السلام و ح ۳۹ از امام باقر علیه السلام مکر عباسیان با امام زمان علیه السلام (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ذیل «وإن کان مکرهم لتزول منه الجبال»، ۲۳۵، ح ۲۳۵ از امام صادق علیه السلام) تکلیف شیعیان به انتظار فرج (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۱۳۸، ذیل «فانتظروا إتی معکم من المنتظرین» ح ۵۰: ۲۰، ح ۵۲ از امام رضا علیه السلام) و وجوب ارتباط با امام (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۱، ۲۱۲، ذیل «اصبروا و صابروا و رابطوا»، ح ۱۸۱ از امام صادق علیه السلام) یار امام زمان شدن (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۲۷۶، ح ۱، ثواب قرائت سوره اسراء از امام صادق علیه السلام) و ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام، شامل: امت معدوده بودن (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۱۴۰، ذیل «و لئن أخرنا عنهم العذاب إلى أمة معدودة ليقولن ما یحبسه»، ح ۲: ۱۴۱، ح ۹ از امام صادق علیه السلام) توانمند بودن (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۱۵۶، ذیل «لو أن لی بکم قوّة أو أوری إلى رکن شدید»، ح ۵۵ از امام صادق علیه السلام) استوار بودن (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۲۸۱، ذیل «بعثنا علیکم عباداً لنا أولى بأس شدید»، ح ۲۱ از امام باقر علیه السلام) که برخی از آنها خوبان امت موسی هستند (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۳۲، ذیل «من قوم موسی أمة یهدون بالحق»، ح ۹۰ از امام صادق علیه السلام) و برخی دیگر نیز رجعت خواهند کرد (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۲۵۹، ذیل «و أقسموا بالله جهد أیمانهم لا یبعث الله من یموت»، ح ۲۸ از امام صادق علیه السلام) و چگونگی گردآمدن یاران ویژه حضرت (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۱، ۶۶، ح ۱۱۷: ج ۲، ۵۶، ح ۴۹ و ۲۶۱، ح ۳۴، ذیل «فأینما تكونوا یأت بکم الله جمیعاً» از امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام) و اتفاق‌های پیش از ظهور از جمله جنگ شیعیان با دشمنان (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۲۸۱، ذیل «بعثنا علیکم عباداً لنا أولى بأس شدید»، ح ۲۰ از امام صادق علیه السلام) و آزموده شدن به ترس و بلا (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۱، ۶۸، ذیل «و لنبلوکم

بشيئ من الخوف و الجوع»، ۱۲۵ از امام باقر علیه السلام و اشاره به دجال (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۸۴، ذیل «یوم یأتی بعض آیات ربک لاینفع...»، ۱۲۸ از امام باقر و امام صادق علیهما السلام) و درباره قیام امام زمان علیه السلام، نزدیک بودن آن (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۵۷، ۱۹۵؛ ۲۵۸، ۱۹۶؛ ج ۲، ۲۳۵، ۴۸، ذیل «لولا أخرتنا إلى أجل قريب» از امام باقر و امام صادق علیهما السلام) و با هدف انتقام از فاجعه کربلا (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۹۰-۲۹۱، ذیل «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً»، ۶۷ و ۶۹ از امام باقر علیه السلام) و حوادث قیام از جمله: دعوت عمومی (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۷۶، ذیل «و أذان من الله و رسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر»، ۱۵ از امام باقر علیه السلام) و بیعت جبرئیل با امام زمان علیه السلام (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۵۴، ذیل «أتی أمر الله فلا تستعجلوه»، ۳ از امام صادق علیه السلام) و ناامیدی دشمنان (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۹۲، ذیل «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم...»، ۱۹ از امام باقر علیه السلام) و مبارزه با اختلاس گران (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۸۷، ذیل «و الذین یکنزون الذهب و الفضة...»، ۵۴ از امام صادق علیه السلام) و پایان تقیه (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۵۱، ذیل «فإذا جاء وعد ربی جعله ذکاء»، ۸۶ از امام صادق علیه السلام) و حرکت حضرت به سوی عراق (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۰۳، ذیل «فی ظلل من الغمام و الملائكة و قضی الأمر»، ۳۰۱ از امام باقر علیه السلام) و یاری به ملائکه (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۹۷، ذیل «یمددکم ربکم بخمسة آلاف...»، ۱۳۸ از امام باقر علیه السلام) و در ثمرات قیام به: نابودی شیطان (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۴۲، ذیل «فإنک من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم»، ۱۴ از امام صادق علیه السلام) و فراگیری دین خدا (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۸۳، ذیل «و له أسلم من فی السموات و الأرض»، ۸۱ و ۸۲ از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام؛ ج ۲، ۵۶، ذیل «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و ینکون الدین کلّه الله»، ۴۸ از امام صادق علیه السلام؛ ج ۲، ۸۷، ذیل «لیظهره علی الدین کلّه»، ۵۰ و ۵۲ از امام باقر و امام صادق علیهما السلام) و تثبیت حق و پایان باطل (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۵۰، ذیل «و یرید الله أن یحقّ الحقّ بکلماته و یقطع دابر الکافرین»، ۲۴، از امام باقر علیه السلام) و تنها حکومت خداوند (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۹۹، ذیل «و تلك الأيام نداولها بین الناس»، ۱۴۵ از امام صادق علیه السلام) و حکومتی جهانی (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۵، ذیل «و العاقبة للمتقین»، ۶۶ از امام باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام) و به ارث رسیدن کاخ ستم کاران (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۳۵، ذیل «و سکنتم فی مساکن الذین ظلموا أنفسهم»، ۴۹ از امام صادق علیه السلام) اشاره رفته است.

پس از عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۰۳، ذیل «و سکنتم فی مساکن الذین ظلموا أنفسهم»، ۴۹ از امام صادق علیه السلام اشاره رفته است. مختلف مهدوی، روایت تفسیری نقل کرده است:

اشاره به خود امام زمان (علیه السلام) (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۴۲، ذیل «و حسن أولئك رفيقاً» از امام باقر (علیه السلام)؛ ۳۵۹، ذیل «و لكل قوم هاد» از امام صادق (علیه السلام)؛ ج ۲، ۶۵، ذیل «و لقد عهدنا إلى آدم من قبل فنسى» از امام باقر (علیه السلام)؛ ۱۱۲، ذیل «بل كذبوا بالساعة و أعتدنا لمن كذب بالساعة سعيراً» از امام صادق (علیه السلام)؛ ۳۸۵، ذیل «سأل سائل بعذاب واقع» از امام باقر (علیه السلام) و ویژگی های یاران امام زمان (علیه السلام) شامل: امت معدوده بودن (قمی، ج ۱، ۳۲۳، ذیل «و لئن أخرجنا عنهم العذاب إلى أمة معدودة» از امام باقر (علیه السلام) و توانمند بودن (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۳۳۵، ذیل «لو أن لي بكم قوة أو أوى إلى ركن شديد» از امام صادق (علیه السلام) و چگونگی گردآمدن یاران ویژه (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۰۵، ذیل «فأينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً» از امام باقر (علیه السلام) و حوادث پیش از ظهور، همچون: فتنه و اختلاف در میان مسلمانان (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۰۴، ذیل «هو القادر على أن يبعث عليكم عذاباً من فوقكم» از تفسیر ابوالجارود) و اشاره به برخی نشانه های ظهور، مانند: ندای آسمانی (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۱۸، ذیل «إن نشأ ننزل عليهم من السماء آية...» از امام صادق (علیه السلام) و خسف لشکر سفیانی (ج ۲، ۲۰۵، ذیل «و لو ترى إذ فرعوا فلا فوت» از تفسیر ابوالجارود) و قیام امام زمان (علیه السلام) (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۲۹، ذیل «أمن يجيب المضطر إذا دعاه» از امام صادق (علیه السلام)؛ ۴۲۵، ذیل «و فى السماء رزقكم و ما تعدون» از امام باقر (علیه السلام) و ویژگی های آن شامل: ناگهانی بودن (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۲۰۰، ذیل «أخذناهم بغتة») نزدیک بودن (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۳۴۰، ذیل «اقتربت الساعة») و عذاب بر کافران بودن (ج ۱، ۳۲۳، ذیل «و لئن أخرجنا عنهم العذاب إلى أمة معدودة» از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و با هدف انتقام از فاجعه کربلا (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۸۴، ذیل «أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا» از امام صادق (علیه السلام) و اشاره به حوادث قیام از جمله: کشتار دشمنان (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۳۱۲، ذیل «قل أرايتم إن أتاكم عذابه بيأتاً ماذا يستعجل منه المجرمون» از تفسیر ابوالجارود) و نزول حضرت عیسی (علیه السلام) (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۵۸، ذیل «ليؤمننَّ به قبل موته») و از نشانه های خدا بودن (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۹۸، ذیل «قل إن الله قادر على أن ينزل آية» از تفسیر ابوالجارود) و برخی ثمرات قیام، همچون: انتقام دشمنان (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۷۸، ذیل «إنما السبيل على الذين يظلمون الناس بغير علم» از امام باقر (علیه السلام)؛ ۳۹۵، ذیل «ذرنى و من خلقت وحيداً*... ثم قتل كيف قدر» از امام صادق (علیه السلام)؛ ۴۱۶، ذیل «فمهّل الكافرين أمهلهم رويداً» از ابوبصير) و نابودى شیطان (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۴۵، ذیل «فإنك من المنظرين إلى يوم الوقت المعلوم» از امام صادق (علیه السلام) و تثبیت حق و پایان باطل (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۷۵، ذیل «و يريد الله أن يحقّ الحقّ بكلماته و يقطع دابر الكافرين» از امام باقر (علیه السلام) و رفاه عمومى (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۵۳، ذیل «و أشرقت

الأرض بنور ربها» از امام صادق علیه السلام و حکومت امام زمان علیه السلام (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۶۷-۲۶۸، ذیل «معمسوق» از امام باقر علیه السلام) و حکومت جهانی (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۷۷، ذیل «إِنَّ الأَرْضَ يرثها عبادى الصالحون» از امام باقر علیه السلام: ۸۷، ذیل «الذین إن مكثهم فى الأرض أقاموا الصلاة...» از امام باقر علیه السلام)

در رتبه سوم، فرات بن ابراهیم کوفی قرار دارد که از زیدیان امامی شده یا نشده این قرن است. او نیز روایاتی تفسیری درباره مهدویت در کتاب خود گنجانده که عبارتند از:

اشاره به خود امام زمان علیه السلام (ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۹ و غیر آن، ذیل «و حسن أولئک رفیقاً» از امیرالمؤمنین علیه السلام: ۶۳، ذیل «بقیة الله خیر لکم» از امام صادق علیه السلام: ۱۹۴، ذیل «حتى أتانا الیقین» از امام صادق علیه السلام) اشاره به قیام امام زمان علیه السلام (ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۹۴، ذیل «و کنا نکذب بیوم الدین» از امام صادق علیه السلام: ۲۱۸، ذیل «سلام هی حتى مطلع الفجر» از امام صادق علیه السلام) و ویژگی قیام، و این که با هدف انتقام از فاجعه کربلا صورت می پذیرد (ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۲۲، ذیل «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً» از امام باقر علیه السلام) و حوادث ایام قیام از جمله فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا به نماز امام زمان علیه السلام (ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰ق: ۴۴، ذیل «یوم یأتی بعض آیات ربک ..» از امام باقر علیه السلام) و ثمرات قیام، مانند: انتقام از دشمنان (ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۵۰، ذیل «إِنما السبیل على الذین یظلمون الناس بغیر علم» از امام باقر علیه السلام: ۲۱۴، ذیل «فأندرتکم ناراً تلظى» از امام صادق علیه السلام) و فراگیری دین خدا (ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۷، ذیل «الذین یمشون على الأرض هوناً... حسنات مستقراً و مقاماً» از امام صادق علیه السلام: ۱۸۴، ذیل «لیظهره على الدین کلّه» از امام صادق علیه السلام) و فراگیری عدالت (ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۲، ذیل «و التهار إذا جلاها» از سیدالشهدا و امام صادق علیه السلام) اشاره داشت.

با توجه به زندگی این عده در اوائل دوران غیبت صغری و شرائط ویژه این دوره، طبیعی است که این فضا بر کتاب های تفسیری نیز حاکم شده و یکی از دغدغه های بزرگان تفسیر را تشکیل دهد. از همین رو است که در سه کتاب یاد شده تقریباً در تمامی موضوعات مهدوی، روایت ذکر شده است. البته این تلاش، محدود به کتاب های تفسیری نمی شود و در کتاب های روایی این قرن و قرن بعد - همچون *الکافی*، *الغیبه نعمانی*، *کمال الدین* و ... - نیز روایات تفسیری مهدوی فراوانی به چشم می خورد که بررسی آنها مجال دیگری را می طلبد.

در قرن پنجم معروف ترین تفسیر، *التبیان* شیخ طوسی [م ۴۶۰ق] است ولی جالب است که در این کتاب، نشان خاصی از گزارش ها و روایات مهدوی نیست؛ به گونه ای که در این مجموعه تفسیری، تنها یک روایت از امام باقر علیه السلام درباره فراگیری دین خداوند در پرتو حکومت امام

زمان علیه السلام (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ۲۰۹، ذیل «لیظهره علی الدین کله») و گزارش‌هایی از اهل تسنن ذیل آیه «لیؤمننّ به قبل موته» درباره ارتباط آن به نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۳۸۶ از ابن عباس، ابومالک، حسن و قتاده و ابن زید) به چشم می‌خورد. ظاهراً علت ندرت روایات و گزارش‌ها در این مجموعه تفسیری را باید در اختصاص کتابی به روایات مهدوی به نام *الغیبه* از سوی شیخ طوسی جست‌وجو نمود. شیخ مفید [م ۴۱۳ق] نیز کتابی تفسیری به نام *ما نزل فی امیرالمؤمنین* دارد که براساس نقل ابن طاووس، یک روایت درباره رجعت برخی از افراد برای یاری امام زمان علیه السلام در آن به چشم می‌خورد. (ابن طاووس، ۱۳۶۳ش: ۱۱۶، ذیل «و أفسموا بالله جهد أیمانهم لایبعث الله من یموت» به نقل از آن از امام باقر علیه السلام) ندرت روایت تفسیری در این تألیف شیخ مفید نیز از یکسو وابسته به عدم نقل روایات موجود در آن از سوی سایر منابع است و از سوی دیگر می‌تواند نتیجه تألیف ویژه ایشان درباره غیبت امام زمان علیه السلام و همچنین کتاب تاریخی *الارشاد* باشد.

در قرن ششم، شاهد اوج گرفتن تعداد تعداد کتاب‌های تفسیری هستیم؛ به گونه‌ای که *فقه القرآن* قطب راوندی [م ۵۳۷ق] و *متشابه القرآن* ابن شهرآشوب [م ۵۸۸ق] و *المنتخب* ابن ادریس [م ۵۹۸ق] محصول این دوره هستند ولی تنها در دو کتاب *مجمع البیان* طبرسی [م ۵۴۸ق] و *روض الجنان* ابوالفتوح رازی [م ۶ق] روایات مهدوی به چشم می‌خورد که در *مجمع البیان* از فراوانی بیشتری برخوردار است. در این کتاب، روایاتی درباره خود امام زمان علیه السلام (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۸۳، ذیل «تلقى آدم من ربه كلمات» از امام صادق علیه السلام: ج ۴، ۱۴۳، ذیل «نور علی نور» از امام باقر علیه السلام) چگونه یار امام شدن (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ۳۹۳، ثواب قرائت سوره اسراء) و اوصاف و ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام، مانند: جانشینان زمین بودن (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ۱۵۲، ذیل «وعد الله الذین و عملوا الصالحات لیستخلفنهم...» از تفسیر عیاشی از امام سجاد علیه السلام) و این‌که برخی از آنها، خوبان امت حضرت موسی علیه السلام هستند (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۴۸۹، ذیل «من قوم موسی أمة یهدون بالحق») و چگونگی گردآمدن آنها (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۳۱، ۵، ۱۴۴، ذیل «فأینما تکنوا یأت بکم الله جمیعاً») و برخی نشانه‌های ظهور همچون: خسف لشکر سفیانی (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۳۹۷-۳۹۸، ذیل «ولو تری إذ فزعوا فلا فوت» از امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیه السلام) و دجال (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۳۳۲، ذیل «ولنذیقنهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر» از امام باقر و امام صادق علیه السلام) و برخی حوادث قیام، مثل: فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۱۳۷، ذیل «لیؤمننّ به قبل موته») و برخی ثمرات قیام، مانند: فراگیری دین

خداوند (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۵۴۳، ذیل «و قاتلوهم حتی لاتکون فتنة و یکون الدین کله لله» از امام صادق علیه السلام؛ ج ۳، ۲۵؛ ج ۵، ۲۸۰، ذیل «لیظهره علی الدین کله» از امام باقر علیه السلام) و حکومت جهانی امام زمان علیه السلام (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۶۶، ذیل «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» از امام باقر علیه السلام) ذکر شده است.

ولی در *روض الجنان* چندان روایت تفسیری مهدوی یافت نشد: روایاتی درباره خود امام زمان علیه السلام (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ش: ج ۳، ۴۲۳، ذیل «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم» از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛ ۴۳۵، ذیل «حسن أولئک رفیقاً» از امام باقر علیه السلام) و در حوادث ایام قیام، درباره فرود حضرت عیسی علیه السلام (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ش: ج ۴، ۶۴، ذیل «لیؤمننّ به قبل موته» مانند نقلی که از *التبیان* گذشت) و در ثمرات قیام، درباره فراگیری دین خدا (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۰، ۲۳۳، ذیل «لیظهره علی الدین کله» از امام صادق علیه السلام).

تحلیل کلی

با توجه به اهمیت موضوع مهدویت و ترسیم این چشم انداز اسلامی، روایات فراوانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان در این زمینه در دست است؛ تا آن جا که زمینه پیدایش مجموعه های حدیثی با موضوع مهدویت شد. این فراوانی، نگاه قرآنی به مهدویت را نیز دربر می گیرد. از همین رو مجموعه قابل توجهی از روایات مهدوی، ناظر به پیوند این حقیقت با آیات قرآن، چه در قالب تفسیر و چه در قالب تأویل هستند. این روایات، توجه نویسندگان نامدار شیعه به ویژه در زمینه تفسیر را به خود معطوف ساخت و تعداد قابل توجهی از آنها در میراث تفسیر روایی قرن چهارم و همچنین تعداد قابل توجه دیگری در کتاب های حدیثی این قرن و قرن بعد، به یادگار ماند.

تحلیل تطبیقی

آیات مرتبط با مهدویت و چشم انداز پایان تاریخ، به دو دسته کلی تقسیم می شوند: آیاتی که دلالتی آشکار دارند و آیاتی که دلالت شان به آن روشنی نیست. از دسته نخست به این آیات می توان اشاره داشت:

- «وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم»؛

- «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین»؛

- «ان الارض یرثها عبادی الصالحون»؛

- «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله»؛
- «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و یكون الدین کله لله».

با مراجعه به آنچه ذکر شد، برخلاف منابع شیعی که تمامی این آیات دارای پیوست روایی مهدوی نیز بودند در منابع اهل تسنن تنها دو آیه «استخلاف» و «اظهار» آن هم نه در روایات تفسیری که در گزارش‌های تفسیری با مسائل حاشیه‌ای مهدویت [عمر طولانی مؤمنان و فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام] مرتبط شده بود! در میان سایر آیات مطرح در منابع اهل تسنن نیز بیشترین ارتباط با فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام به چشم می‌خورد؛ برخلاف منابع شیعی که کمترین ارتباط در این زمینه بود. در منابع شیعی، تقریباً تمامی موضوعات مهدوی، با قرآن و آیات آن پیوند خورده و در تمامی مسائل کلیدی مهدویت شامل: امام زمان علیه السلام، غیبت، شرائط و نشانه‌های ظهور، حوادث قیام، و دستاوردها به آیتی از قرآن استشهاد شده بود.

از نظر منبع‌شناسی، قرن سوم و چهارم هجری در اهل تسنن و شیعه از اهمیت حدیثی ویژه‌ای برخوردار است. قرن سوم، قرن شکل‌گیری مهم‌ترین مجموعه‌های حدیثی اهل تسنن در زمینه‌ها و موضوعات مختلف است؛ اتفاقی که برای شیعیان، بیشتر در قرن چهارم و با ورود به دوران غیبت شکل گرفت. روشن است که عقائد شیعه و اهل تسنن، بیشترین تأثیر را بر گزینش روایات و پردازش آنها داشت. یکی از مهم‌ترین این معیارها را اهل بیت تشکیل می‌دادند؛ به گونه‌ای که اهل تسنن با توجه به اعتقاد شیعیان نسبت به دوازده معصوم، تلاش در فاصله گرفتن حداکثری از این مفهوم و مصادیق آن در هر موضوع و به هر بهانه‌ای داشتند برخلاف فرهنگ روایی شیعه که کاملاً بر محور اهل بیت و جایگاه منحصر به فرد آنها دور می‌زند. این تفاوت نگاه و اختلاف عقیده تا به آن جا پیش رفت که به مباحث آخرالزمانی نیز کشیده شد و همان‌گونه که بیان شد، اهل تسنن به خاطر جلوگیری از رواج مهدویت شیعی، از یکسو از پرداختن به اصل مهدویت تا جای ممکن فاصله گرفتند و از سوی دیگر تلاش خود را برای تحریف آن و هدایتش به سوی همان آخرالزمان رایج یهودی مسیحی به کار بستند! در حالی که منابع شیعه به دنبال ترسیم آخرالزمانی کاملاً اسلامی و اهل بیته هستند؛ تا آن جا که هرچند نقش حضرت عیسی علیه السلام در آن، برجسته است ولی جایگاهی حاشیه‌ای و در پرتو امام زمان علیه السلام است.

نتیجه‌گیری

مهدویت، از آن جا که در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ترسیمی کاملاً اسلامی دارد، تلاش شده به

صورت دقیق و گویا طرح و تدوین گردد که بخشی از آن در قالب روایات تفسیری شکل گرفته است ولی در منابع اهل تسنن از آن جا که در امتداد همان فرهنگ یهودی مسیحی است، نیاز چندانی به پردازش ویژه ندارد. از همین روست که در منابع حدیثی این جماعت اعم از تفسیری و غیر آن، حداکثر ده آیه با مسائل آخرالزمانی پیوند خورده ولی تنها در منابع تفسیری شیعه، حداقل ۶۶ آیه در این زمینه تفسیر یا تطبیق یا تأویل شده است.

منابع

۱. ابراهیم کوفی، فرات بن (۱۴۱۰ق)، *تفسیر*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
۴. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد علی (۱۴۱۷ق)، *الصواعق المحرقة*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۵. ابن حماد، نعیم (۱۴۱۴ق)، *الفتن*، بیروت: دارالفکر.
۶. ابن حنبل، احمد بن حنبل (بی تا)، *مسند احمد*، بیروت: دارصادر.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی بن طاووس (۱۳۶۳ش)، *سعد السعود*، قم: منشورات الرضی.
۸. ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱ش)، *روض الجنان*، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. اربلی، ابی الحسن علی بن عیسی (بی تا)، *کشف الغمّة*، بیروت: دارالأضواء.
۱۱. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق)، *السنن الکبری*، بیروت: دارالفکر.
۱۲. ثعلبی، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الکشف والبيان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول.
۱۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۲ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالفکر.
۱۴. سمرقندی، ابواللیث السمرقندی (بی تا)، *تفسیر السمرقندی*، بیروت: دارالفکر.
۱۵. سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۰ق)، *الدر المنثور*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۶. الصنعانی، عبدالرزاق (۱۴۱۰ق)، *تفسیر القرآن*، ریاض: مکتبة الرشد.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان*، بیروت: مؤسسة الاعلمی، اول.
۱۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، *جامع البیان*، بیروت: دارالفکر.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *التبیان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر*، تهران: اسلامیه.
۲۱. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۴۲۰ق)، *لطائف الاشارات*، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.

۲۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر، قم: مؤسسه دارالکتاب.
۲۳. کورانی، علی (۱۳۷۱ش)، معجم احادیث الامام المهدي، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية.
۲۴. مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۸۹۹م)، البدء والتاریخ، بی جا: بی نا.